

کاوشی بر میزان نفوذ ایدئولوژی در رمان نوجوان، مورد مطالعه: رمان لالایی برای دختر مرده

مهناز جوکاری^{*۱}
دکتر بهی حدائق^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۵

چکیده

از دگرگونی‌های بنیادین در جریان تفکر و آموزش انتقادی در بیست سال اخیر، پذیرش این مسأله است که تمام متون به طرز گریزناپذیری با ایدئولوژی درآمیخته‌اند و ایدئولوژی معنایی جداگانه بر دوش متن نیست. این امر، ضرورت بررسی‌های پیچیده‌تر در این زمینه را بیش از پیش آشکار می‌کند؛ به‌ویژه در حوزه ادبیات کودک و نوجوان که همواره رابطه بین بزرگسالی که کتاب را می‌نویسد و کودک و نوجوانی که کتاب را می‌خواند، منجر به نوعی عدم توازن قدرت شده‌است و نویسندگان همواره کوشیده‌اند تا به القای دیدگاه خود به مخاطب کودک و نوجوان بپردازند. در دهه اخیر، نویسندگان کوشیده‌اند که با استفاده از تکنیک‌هایی از فشار هرچه بیشتر ایدئولوژی بر مخاطب خود بکاهند. اما آنچه اهمیت دارد این است که صرف استفاده از این تکنیک‌ها، گاهی حتی به القای هرچه بیشتر ایدئولوژی یک متن منجر شده‌است. یکی از رویکردهایی که از طریق آن می‌توان تکنیک‌های به‌کاررفته توسط نویسندگان را به‌خصوص در حوزه روایت بررسی کرد، گفتمان روایی است که در آن، عامل‌های روایی، مانند نویسنده ضمنی، راوی، شخصیت‌های داستان، روایت‌شنو و خواننده ضمنی بررسی می‌شوند. در این پژوهش، برآنیم که این عامل‌های روایی را باتوجه به رویکرد باختین به چندصدایی، دوصدایی و تک‌صدایی در رمان نوجوان لالایی برای دختر مرده بررسی کنیم و اینکه نشان داده شود این رمان، چه اندازه به سمت القای ایدئولوژی یا شکست آن در متن پیش رفته‌است.

واژگان کلیدی: ایدئولوژی، گفتمان روایی، چندصدایی، لالایی برای دختر مرده

* m.jokari67@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (ادبیات غنایی) دانشگاه شیراز
۲. استادیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه شیراز